

مستشرقان هدایت یافته *

چکیده

مستشرقان معمولاً با انگیزه‌های گوناگون از جمله انگیزه‌های استعماری، سیاسی، تبشیری و... و عمدتاً با پیش داوری منفی و پیش‌فرض‌های نادرست پیرامون اسلام، قرآن، حدیث، سیره و دیگر موضوعات و مسائل مرتبط به تحقیق پرداخته‌اند و چنین انگیزه‌ها و رویه‌هایی از سوی آنان همچنان ادامه دارد، ولی در میان آنان افرادی بوده و هست که به مطالعه قرآن و اسلام پرداخته و در اثر تحقیقات خود به دین مبین اسلام گرویده‌اند و چه بسا زمینه‌گروش دیگران به دین اسلام را فراهم کرده‌اند. ضمن اینکه آثاری را نیز در معرفی اسلام و آموزه‌های آن به رشته تحریر در آورده‌اند. در این نوشتار، شانزده تن از مستشرقانی که به اسلام مشرف شده (مستشرقان مسلمان) و پذیرش اسلام آنان نیز در معرفی اسلام به دیگران تأثیرگذار بوده، به اختصار معرفی شده‌اند. همچنین برخی از آثار نگاشته شده از سوی آنان در علوم مختلف اسلامی و نیز آثاری که نحوه پذیرش اسلام خویش را در آن شرح داده‌اند، معرفی شده است.

کلید واژگان: اسلام، قرآن، مستبصران (هدایت یافته)، مستشرقان.

مستشرق (خاورشناس / خاورپژوه) کسی است که درباره آنچه مربوط به مشرق زمین می‌باشد، تحقیق می‌کند. ریشه این واژه همچون واژه «استشراق» (خاورپژوه) در زبان عربی است که از کلمه «شرق» به معنای محل طلوع خورشید گرفته شده و بر مطالعات خاصی اطلاق می‌شود؛ از این رو، آن را در اصطلاح به اسلام‌شناسی توسط غیر مسلمانان تعریف کرده‌اند (سباعی، الاستشراق والمستشرقون مالهم وما علیهم، ۱۴۰۵: ۱۹). دکتر علی الصغیر در تعریف استشراق می‌گوید: استشراق به مطالعات غربی‌ها درباره فرهنگ شرق، به ویژه هر چیزی که متعلق به تاریخ، زبان، رسوم، هنر، علوم، عقاید و عادات باشد، گفته می‌شود؛ بنابراین، مستشرق کسی است که درباره آنچه مربوط به مشرق زمین می‌باشد، تحقیق می‌کند (علی الصغیر، دراسات قرآنیة، ۱۴۱۳: ۱۱؛ نیز ر.ک: الميدانی، جنحة المکر الثلاثة وخوافیها، ۲۰۰۰: ۱۲۱).

به عبارت دیگر، شرق‌شناسان آن دسته از دانشمندان فرنگی [اروپایی] هستند که خود را وقف مطالعه و بررسی میراث شرق یعنی فرهنگ عربی، تاریخ عرب، اسلام، مسلمانان، و علوم، آداب، اخلاق و سنت‌های آنان به طور خاص کرده‌اند (ر.ک: مجله فقه، ۱۶۳/۵۴)، ولی باید گفت، این تعریف تسامحی است؛ زیرا معنایی که از شرق‌شناس به ذهن متبادر می‌شود، مطالعه اسلام و مسلمانان است. شاید علت این امر، بیشتر به دلیل رویکرد گسترده محققان یهودی و مسیحی به مطالعه اسلام و مسائل مربوط به آن بوده است. در حالی که برخی از غربیان و نیز محققان مسلمان که از نظر جغرافیایی در غرب هستند، از مستشرقان شمرده شده‌اند (ر.ک: مجله فقه ۱۶۳-۱۶۴/۵۴). هر تعریفی که از استشراق در نظر گرفته شود، باید توجه داشت که توجه به شاخه‌های مطالعاتی مستشرقان و نتایج ارائه شده از سوی آنان، چه مثبت و چه منفی، به نوبه خود از اهمیت خاصی برخوردار بوده و هست. همچنین باید توجه داشت که غالباً فعالیت‌های شرق‌شناسان برای احترام و اهتمام به میراث اسلامی نبوده و نیست، بلکه از یک سو به دلیل نیاز آنان به منابع غنی اسلامی و از سوی دیگر معارضه با اسلام و گسترش آن و استعمار ممالک اسلامی در عرصه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی و... و فراهم کردن زمینه فعالیت‌های تیشیری است.

پیشینه این نوع از مطالعات به نخستین روزهای اعلام دین مبین اسلام به عنوان دینی جدید و جهانی از سوی پیامبر اکرم ﷺ برمی‌گردد؛ به عبارتی همزمان با ظهور اسلام دانشمندان یهودی و مسیحی دشمنی خویش را با اسلام اظهار داشتند و در قالب‌های مختلف از جمله داخل نمودن اسرائیلیات به اسلام ضربه زدند. این رویه با تغییر ساختارها و برنامه‌ها تا امروز ادامه داشته و در آینده نیز شاهد آن خواهیم بود. به هر حال، حرکت استشراق رسماً با این عنوان در قرن هشتم میلادی شروع شد. نخستین مستشرق به نام «یوحنا دمشقی» با نوشتن دو کتاب علیه اسلام با عنوان «محوارة مع مسلم» و «ارشادات النصراری فی جدل المسلمین» دشمنی خویش را آشکار کرد. از عناوین این دو کتاب پیداست که وی در صدد تقویت علمی مسیحیان بوده تا در مناظرات و مجادلات بر مسلمانان استیلا یابد (زمانی، محمد حسن، آشنایی با استشراق، ۱۳۸۸: ۵۶). ولی در کنار چنین مستشرقانی از افرادی می‌توان سراغ گرفت که در سیر مطالعاتی خویش جانب انصاف را رعایت کرده و حقیقت را بیان داشته‌اند و حتی برخی از آنان با مطالعات استشرافی خود به دین مبین اسلام گرویده و نوعاً به دفاع از اسلام و تبلیغ آن نیز پرداخته‌اند. آنچه در این میان برجسته می‌نماید، علت پذیرش اسلام از سوی آنان و دیدگاه‌ها و نظریه‌های ویژه آنان پیرامون اسلام، قرآن، حدیث، پیامبر اکرم ﷺ و... است؛ چه آنان از بیرون از دین اسلام پیرامون آن تحقیق کرده و به حقیقت نائل شده و به معارف بلند قرآن و بزرگی پیامبر اعظم ﷺ و ویژگی‌های اخلاقی ایشان دست یازیده و آثاری نیز پس از پذیرش اسلام به رشته تحریر در آورده‌اند.

دیگر اینکه آشنایی با آنان و سبب پذیرش اسلام می‌تواند به نوبه خود به معرفی بهتر و بیشتر اسلام و قرآن به غیر مسلمانان بینجامد.

در این نوشتار، شانزده تن از مستشرقانی که به دین مبین اسلام مشرف شده و پذیرش اسلام آنان نیز در معرفی اسلام به

دیگران تأثیرگذار بوده، به اختصار معرفی شده‌اند. همچنین برخی از آثار نگاشته شده از سوی آنان در علوم مختلف اسلامی و نیز آثاری که نحوه پذیرش اسلام خویش را در آن شرح داده‌اند، معرفی شده است.

۱. آنسلم تورمیدا (۱۳۴۲-۱۳۵۲)

نجیب العقیقی «آنسلم تورمیدا» (A. Turmeda) را در زمره مستشرقان معرفی کرده است (العقیقی، المستشرقون، ۱۳۸۷: ۱/۱۲۳). تورمیدا در سال ۱۳۵۲م. در میورقه یکی از جزایر شرق اندلس (اسپانیا) به دنیا آمد. تحصیلات خود را در ایتالیا گذراند. وی راهبی فرانسیسکانی بود که به منظور اعلان اسلام خویش به تونس مهاجرت کرد و در حضور پادشاه وقت آنجا، احمد بن ابی بکر الحفصی، اسلام آورد. بعد از مسلمان شدن نام خود را از تورمیدا به «ابومحمد عبدالله بن عبدالله بن عبدالله» تغییر داد (رضوان، آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره، ۱۹۹۲: ۳۵۷/۱) و به شغل مترجمی مشغول شد و به همین علت به «عبدالله مترجم» معروف شد (عقیقی، المستشرقون، ۱۳۷۸: ۱/۱۲۳).

تورمیدا در نزد دانشمندان نصرانی زمان خویش از جایگاه علمی بالایی برخوردار بود؛ لذا پس از آشکار ساختن اسلام خویش، کتاب‌هایی در رد مسیحیت نوشت که می‌توان از «تحفة الأریب فی الردّ علی اهل الصلیب» نام برد. این کتاب از این جهت که نویسنده آن مسیحی و از کشیشان بوده است، اهمیتی در خور دارد. نویسنده در این کتاب بر آرای ابن حزم در نقد مسیحیت تکیه کرده است. این کتاب که در سال ۱۴۲۰ ق. انتشار یافت، از سوی اسین بلاسیوس نقد شده است (همان، ۱۲۴). مؤلف در فصل اول این کتاب به بیان سبب اسلام خویش پرداخته است و در فصل سوم پس از ذکر عقاید مسیحیت، به نقد آنها نشسته است. بیان تعارض موجود بین اناجیل چهارگانه و اثبات تألیف بشری آنها و نیز ردّ ایرادات مسیحیان علیه مسلمانان به همراه اقامه دلیل از متن اناجیل بر نبوت حضرت محمد ﷺ، از مباحث اصلی این فصل است.

تورمیدا علت اسلام آوردن خویش را چنین بیان کرده است: روزی به علت کسالت کشیش کهنسال کلیسایی در اسپانیا و انتظار شاگردان، بحث به تفسیر این سخن عیسی ﷺ که گفته است «یأتی من بعدی نبی اسمه البارقلیط» کشیده شد (برای مقایسه، ر. ک: «يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ» صف/۶) و جدال در این باره بالا گرفت. به منزل استاد رفتم و واقعه و جدال شاگردان و دیدگاه هر یک از آنها را بازگو نمودم... استاد در ادامه گفت: تفسیر این اسم شریف را کسی جز راسخ در علم نمی‌داند و شما جز مقدار اندکی از علم را به دست نمی‌آورید. من نیز به پاهایش افتادم و ملازمت ده ساله خویش را با او و... یاد آور شدم و اکمال احسانش را نسبت به خود با بیان تفسیر اسم «فارقلیط» درخواست کردم. استاد به گریه افتاد و گفت: در شناخت این اسم فایده بسیار بزرگی است، لکن از این می‌ترسم که با آگاهی بر معنای آن، مسیحیان فوراً تو را به قتل برسانند... در پاسخ به پرسشم درباره مسیحیت گفت: اگر مردم، دین مسیحیت نخستین را اقامه می‌کردند، همانا بر دین خدا بودند؛ زیرا دین عیسی و همه پیامبران دین خداست و راه‌هایی از این مشکل (مشکل مسیحیت کنونی و دوری از دین واقعی) دخول در دین اسلام است؛ واقعیتی که در اواخر عمر و کهولت سن، خداوند فضل درک آن را به من عطا کرده است. اگر من در سن تو می‌بودم به دین اسلام در می‌آمدم. اکنون که من جاه و مقام و عزت و شرافت بسیاری در نزد مسیحیان دارم، اگر عامه مردم از کوچک‌ترین گرایش من به اسلام آگاهی یابند، مرا فوراً می‌کشند.

تورمیدا در ادامه می‌گوید: آن استاد در نهایت، مرا به مهاجرت به دیار مسلمانان برای پذیرش اسلام ترغیب نمود و از اعلان اسلام خویش در میان مسیحیان برحذر داشت... (تورمیدا، تحفة الأریب فی الردّ علی اهل الصلیب، ۴۱-۴۶).

بدین ترتیب، تورمیدا به تونس مهاجرت کرد و اسلام آورد و کتاب «النبوات» و کتاب «التعالیم الصالحة» از دیگر آثار اوست.

۲. فرانسوا ماری ولتر (۱۶۹۴)

فرانسوا ماری ولتر (F. M. woltir)، نویسنده، فیلسوف و نمایشنامه‌نویس بزرگ در سال ۱۶۹۴م. در پاریس متولد شد. در سال ۱۷۰۴م. نزد روحانیون مسیحی مبانی علوم آن روز را فرا گرفت. ولتر از کودکی نسبت به مسیحیت بدبین بود. نخست بر

مسیحیت تاخت و خدای انسان‌نمای آنها را مسخره کرد و به مسیحیان خیلی اشکال گرفت و سپس به جان ادیان دیگر افتاد و در دنیای آن روز غوغایی برپا نمود. چون تحت تأثیر کتاب‌های دشمنان اسلام قرار گرفته بود، از حقایق اسلام دور بود، ولی در اثر تحقیقات و مطالعات در زمینه اسلام نسبت به اسلام و پیامبر اسلام ﷺ خوش‌بین شد و فهمید که هم کیشان سابق او درباره پیامبر اسلام ﷺ جز تهمت چیز دیگری نگفته‌اند (حدیدی، اسلام از نگاه ولتر، ۱۳۷۳: ۵). فرانسوا در سال ۱۷۱۸ نام «ولتر» را برای خویش انتخاب کرد تا به گفته خودش «شاید با نام تازه خوشبخت‌تر گردد» (فلسفی، منتخب فرهنگ فلسفی، ۲۱-۲۴).

ولتر با خرافات و روایات و احادیث دورغ و بی‌اساسی که کشیشان عیسوی در طی قرون ساخته و به خورد مردم عوام داده بودند که با عقل و منطق و اسناد مذهبی و تاریخی سازگار نیست، به سختی مخالف بود؛ از این‌رو، در تمام عمر از مبارزه با کشیشان مردم فریب و خرافات دینی دست بر نداشت و با نیروی اطلاعات گسترده‌ای که از تاریخ مسیحیت و سرگذشت و آثار پیشوایان بزرگ مسیحیت داشت، به آسانی بطلان عقاید خرافی و بی‌اساس کشیشان را فاش کرد (ر.ک: فلسفی، منتخب فرهنگ فلسفی، ۱۶ مقدمه مترجم).

ولتر در هوش و استعداد و پشتکار و فعالیت در میان نویسندگان بزرگ عصر خود کم‌نظیر بود. از ادبیات به عنوان وسیله‌ای برای روشن ساختن افکار عمومی و بیان حقیقت استفاده می‌کرد. بارزترین برجستگی آثار وی، تخطئه و تحقیر کلیسای کاتولیک بود. با نوشته‌های گوناگون خود فرمانروایان و طبقات ممتاز فرانسه و جامعه فاسد کشیشان معاصر خویش را بیش از پیش تحقیر و غیرقابل اعتماد جلوه داد و زمینه پیروزی انقلاب کبیر فرانسه را بیشتر میسر ساخت (ر.ک: منتخب فرهنگ فلسفی، ۴۱-۴۲)؛ زیرا توانسته بود با بهره‌گیری از حکومت‌های محلی مسلمانان در پروراندن و نمایاندن آرمان‌ها و نواقص، حکومت‌های اروپا را بهتر مورد انتقاد قرار دهد و اصلاحات را مطرح سازد (اسپوزیتو، دایرة المعارف جهان نوین اسلام، ۱۳۹۱: ۱۶۴/۳).

دانشمندان تصریح کردند که فرانسوا ولتر در اثر تحقیقات خود به آیین اسلام پیوست (افتخارزاده، سیر تاریخی و ارزیابی اندیشه شرق‌شناسی، ۱۳۸۳: ۴۶). وی در مورد اسلام بعد از تحقیقات فراوان، حرف‌های جالبی زده که می‌توان عمق مطالعات وی را از آن به دست آورد. برای نمونه می‌نویسد: تمام سنت‌هایی که پیامبر اسلام ﷺ آورده، نفس انسان را به سوی تهذیب فرا می‌خواند و حسن و جمال آنها انسان را به دین محمدی مجذوب می‌کند؛ به همین دلیل اقوام متعددی اسلام آورده‌اند (معدی، الرسول فی عیون غریبه منصفه، ۲۰۰۷: ۱۰۴).

ولتر پس از انقلاب درونی که در نتیجه آغاز مجدد مطالعات اسلامی برایش رخ داد و حاصل آن را با عنوان «تبصره‌ای بر تاریخ جهان» منتشر نمود، در قضاوت خود نسبت به شخص پیامبر اکرم ﷺ که پیش‌تر با تندی در باره آن حضرت سخن می‌گفت، تجدید نظر می‌کند و می‌گوید: «محمد بی‌گمان مردی بسیار بزرگ بود و مردانی بزرگ نیز در دامن فضل و کمال خویش پرورش داد. قانون‌گذاری خردمند، جهانگشایی توانا، فرمانروایی دادگستر، پیامبری پرهیزگار بود و بزرگ‌ترین انقلاب روی زمینه را پدید آورد» (کلیات ولتر، ج ۲۴، ص ۵۵۵، به نقل از: حدیدی، اسلام از نظر ولتر، ۱۱۱-۱۱۲).

ولتر در جوانی تحت تأثیر افکار بولن ویلی‌یه در کتاب «زندگی محمد ﷺ» قرار گرفت. ویلی‌یه در کتاب خود چنان در ستایش پیامبر اکرم ﷺ کوشیده بود که برخی از معاصرانش او را به مسلمانی متهم کرده و پنداشته بودند که وی مسلمان مرده است (حدیدی، اسلام از نظر ولتر، ۱۳۷۳: ۴۱)؛ چنان که نویسنده کتاب اسلام از نظر ولتر، درستی چنین سخنی را به احتمال یادآور شده و از او به «مسلمان مسیحی‌نما» یاد کرده است.

ویلی‌یه در وصف اسلام و مبانی دینی مسلمانان گفته است: «آیین محمد ﷺ چنان خردمندانه است که برای تبلیغ آن هیچ نیازی به جبر و قهر نیست. کافی است که اصول آن را به مردم بفهمانند تا همه به آن بگرایند» و در جایی دیگر از سازگاری اصول دین محمد ﷺ با عقل انسانی سخن گفته است. وی درباره پیامبر اکرم ﷺ نیز گفته است: محمد ﷺ قانون‌گذاری خردمند و بزرگ بود که دین تهذیب یافته برای جهانیان آورد. او نماینده زنده عنایات پروردگار بود. خدایی که بر همه چیز آگاه است، او را فرستاد تا مسیحیانی را که گمراه بودند، متنبه گرداند.

ولتر که به تدریج بر دامنه مطالعات خود می‌افزود، تا آنجا پیش می‌رود که نظریه‌های این مسلمان مسیحی‌نما (ویلی‌یه) را از آن خود می‌داند و بدون ذکر مأخذ، آنها را به عنوان حرب‌های علیه مسیحیت به کار می‌بندد (حدیدی، اسلام از نظر ولتر، ۱۳۷۳: ۴۴؛ نیز، ر.ک: ۲۰۱).

ولتر در ستایش قرآن می‌گوید: «من یقین دارم اگر قرآن و انجیل را به یک فرد غیر متدین ارائه دهند، او حتماً قرآن را بر می‌گزید؛ زیرا کتاب محمد ﷺ در ظاهر افکاری را تعلیم می‌دهد که به اندازه کافی بر مبنای عقلی منطبق است (شاهد، اعجاز قرآن از دیدگاه مستشرقان، ۱۳۸۶: ۱۲۴). بر همین مبنا در دفاع از ساحت قرآن کریم که از سوی لارشه مورد مقایسه نابجا با تورات قرار گرفته بود، از او به «عیاش بی‌آبرو و هرزه بی‌سواد» یاد می‌کند و نسبت به برتری قرآن کریم سخن می‌گوید. در همین راستا درباره اصل طلاق رجعی و راهگشایی آن در اسلام به آیات ۲۳۷ و ۲۳۶ سوره بقره [۱] استناد می‌کند (حدیدی، اسلام از نظر ولتر، ۱۳۷۴: ۲۱۶)، چنان که در جایی دیگر در مقایسه قوانین قرآن کریم و انجیل گفته است: شاید هرگز قانونی کامل‌تر از قوانین قرآن درباره طلاق وضع نشده باشد (عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران شیعه، ۱۳۷۸: ۹۸)؛ چرا که طلاق در مسیحیت مورد نهی تحریمی قرار گرفته است (متی ۵: ۳۱-۳۲؛ نیز، ر.ک: تثیبه، ۲۴: ۱).

وی همچنین در نقد در دایرة المعارف دیدرو ذیل مدخل «القرآن» که داستان هاروت و ماروت را علت تحریم مشروبات الکلی دانسته، از آنچه نویسنده «القرآن» گزارش کرده بود، به «قصه کودکانه تعبیر می‌کند و می‌گوید: «اگر همه قرآن را از اول تا آخر بخوانید، یک کلمه از این قصه کودکانه را در آن نخواهید یافت. اینها ساخته ذهن دروغ‌پردازان مسیحی است که می‌خواهند با جعل افسانه‌ها دین محمد ﷺ را هجو نمایند». ولتر آنگاه به آیه و جوب جهاد در سوره بقره به عنوان شاهد سخن خود استدلال می‌کند (حدیدی، اسلام از نظر ولتر، ۱۳۷۳: ۲۱۶) که می‌فرماید: ﴿كَيْفَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَ عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ عَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (بقره/۲۱۶)؛ «جنگ بر شما مقرر شد در حالی که آن برایتان ناخوشایند است و چه بسا از چیزی ناخشنودید، و آن برای شما خوب است و چه بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است. و خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید».

ولتر سوره توحید را زیباترین و فصیح‌ترین تعریف از توحید می‌داند و مدتی بعد در مقاله «القرآن» در کتابش با عنوان «فرهنگ فلسفی» ترجمه سوره حمد را منتشر می‌کند (حدیدی، اسلام از نظر ولتر، ۱۳۷۳: ۲۲۶).

وی معتقد است که پیامبر اسلام ﷺ به خلافت علی رضی الله عنه وصیت کرده و قلم و دوات را خواسته تا کتباً جانشینی ایشان را بنویسد، ولی این وصیت آن حضرت اجرا نشد؛ چون بعد از رحلت آن حضرت رضی الله عنه عده‌ای ابوبکر را به خلافت برگزیدند (مهبری املشی، علی از زبان دیگران، ۱۳۸۴: ۱۶۸).

به نظر می‌رسد مخالفت آیین مسیحیت با عقل، ولتر را از مسیحیت دور کرد و در مقابل، مطابق بودن احکام اسلامی با عقل و فطرت، وی را به آیین اسلام جذب کرد. خود در این باره می‌گوید: «خدایا من مسیحی نیستم؛ زیرا می‌خواهم تو را بهتر دوست داشته باشم» (آل اسحاق خوئینی، اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان، ۱۳۷۰: ۲۹۶).

۳. فونسی اتین دینته (۱۸۶۱-۱۹۲۹م)

فونسی اتین دینته (funis Etienne Dinet)، نقاش و دانشمند فرانسوی در سال ۱۸۶۱م. در پاریس به دنیا آمد. نجیب العقیقی و خیرالدین زرکلی او را با عنوان مستشرق معرفی کرده‌اند (عقیقی، المستشرقون، ۱۳۷۸: ۲۲۸/۱؛ زرکلی، الاعلام، ۱۹۸۰: ۸۳/۱). دینته تحصیلات خود را به نحو متعارف در کیش مسیحیت به پایان رسانید. به کتاب‌های تاریخی که درباره اسلام نوشته شده بود، برخورد کرد و کم‌کم با حقایق و معارف اسلام آشنایی یافت تا اینکه در اثر تحقیقات هنری و علمی خود به آیین اسلام درآمد (شلبی، اضواء علی المسيحية، ۱۹۹۷: ۵۲؛ خوئینی، اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان، ۳۴۹). وی بعد از تشریف به اسلام در سال ۱۹۲۷م. اسم «ناصرالدین» را برای خودش انتخاب کرد و در سال ۱۹۲۸م. به مکه مکرمه و حج بیت الله الحرام مشرف شد

(عقیقی، المستشرقون، ۱۳۷۸: ۲۲۸/۱). وی در سال ۱۹۲۹م. در پاریس در گذشت، ولی طبق وصیتش در قبری که در شهر بوسعاده در الجزایر برای خود تجهیز کرده بود، دفن کردند (زرکلی، الاعلام، ۱۹۸۰: ۸۳/۱).

وی کتاب‌هایی در دفاع از پیامبر اکرم ﷺ و اسلام نوشت و به حق از آئین جدید به دفاع پرداخت و کتاب‌های «حیة العرب»، «حیة الصحراء»، «اشعة من نور الاسلام» و «الشرق فی نظر الغرب» به زبان فرانسه منتشر کرد (زرکلی، الاعلام، ۸۳/۱). دو کتاب اخیر به ترتیب توسط راشد رستم و عمر فاخوری به عربی ترجمه شده است (عقیقی، المستشرقون، ۱۳۷۸: ۲۲۸/۱؛ زرکلی، الاعلام، ۱۹۸۰: ۸۳/۱).

کتاب «Mohamet» درباره سیره پیامبر اکرم ﷺ که به زبان فرانسوی و انگلیسی انتشار یافته (زرکلی، الاعلام، ۸۳/۱)، از سوی دکتر عبدالکریم محمود و استاد محمد عبدالکریم محمود به عربی ترجمه شده است. کتاب دیگر وی «الحج الی بیت الله الحرام» است که ترجمه آن در مجله «الشبان المسلمین» انتشار یافته است (عقیقی، المستشرقون، ۱۳۷۸: ۲۲۸/۱).

دینته، نقاش فرانسوی، بعد از پژوهش‌های فنی و علمی درباره ترسیم صورت خداوند طبق گفته‌های انجیل و سپس تورات و مطالعه قرآن کریم به این باور رسید که تنها اسلام است که اندیشه‌ای مستقیم از ادراک وجود الهی ارائه می‌دهد (شلبی، اضواء علی المسیحیة، ۱۹۹۷: ۵۲)؛ زیرا وی با مطالعه انجیل و سپس تورات به تصویری دقیق و جالب از خدای سبحان رسید. سپس با مهاجرت به الجزایر و آموختن زبان عربی، با مطالعه قرآن کریم و برخورد با سوره توحید احساس کرد به مطلوب خود در تصویری متین از خدای سبحان و حقیقت مطلب درباره ذات خداوند رسیده است (همان، ۱۳۸-۱۳۹)؛ حقیقتی که سبب شد تا وی در دانشگاه بزرگ الجزایر اسلام خویش اعلام کند.

۴. هاری سانت فیلیپی (۱۸۸۵-۱۹۶۰م)

هاری سانت فیلیپی (H. S. Philpy) در سال ۱۸۸۵م. در خانواده‌ای انگلیسی در جزیره سیلان به دنیا آمد. تحصیلات دانشگاهی خویش را در آکسفورد ادامه داد و در سال ۱۹۰۷م. در رشته زبان‌های شرقی فارغ التحصیل شد. وی در سال ۱۹۰۸-۱۹۱۵م. از سوی دولت بریتانیا در هند مشغول به کار شد (عقیقی، المستشرقون، ۱۳۷۸: ۱۱۶/۲). وی از دانشگاه کمبریج زبان فارسی و هندی را آموخت و در هندوستان که به فعالیت‌های دیپلماسی مشغول بود، زبان پنجابی را نیز فرا گرفت و به آموختن قرآن و عربی نیز مشغول شد.

فیلیپی که جزء مستشرقان سیاسی است و در کشورهای جهان شرق از جمله هند، عراق، اردن و عربستان فعالیت‌های سیاسی خویش را انجام می‌داد، در نهایت در اثر مباشرت مستقیم با مسلمانان در عربستان اسلام خویش را اعلام کرد (حمدان، مستشرقون؛ سیاسیون - جامعین - ۱۹۸۸: ۶۲؛ برای آگاهی از لیست ۱۰۱ نفری سیاستمدار مستشرق که همزمان با فعالیت‌های سیاسی به استشراف نیز پرداخته‌اند، ر. ک: حمدان، مستشرقون؛ سیاسیون...، ۱۹۸۸: ۵۵-۶۷).

فیلیپی در سال ۱۹۱۵م. در پی مأموریت دولتی به بصره فرستاده شد و در سال ۱۹۱۷م. به عربستان سفر کرد و در سفرهای بعدی به عربستان با ملک عبدالعزیز آشنا شد. در سال ۱۹۳۰م. به دین مبین اسلام در آمد و نام عبدالله برایش انتخاب شد و به «عبدالله فیلیپی» شهرت یافت. صاحب کتاب المستشرقون می‌نویسد: اسلام آوردن فیلیپی مشهور است (فیلیپی، هاری سانت، بنات سبأ، مقدمه کتاب). وی در سال ۱۹۶۰م. در سن ۷۵ سالگی در بیروت از دنیا رفت.

فیلیپی تحقیقات جغرافیایی و تاریخی خود را در عربستان ادامه داد و کتاب‌های زیادی نیز در این زمینه نگاشت. برخی از تألیفات وی از این قبیل اند: قلب جزیره العرب، جزیره العرب فی عهد الوهابیین، جزیره العربیة، هارون الرشید، الربع الخالی، بنات سبأ، حاج فی الجزيرة العربیة، اسس الاسلام، ایام فی الجزيرة العربیة، مرتفعات الجزيرة العربیة، العربیة السعودیة (حمدان، مستشرقون؛ سیاسیون - جامعین - ۱۹۸۸: ۵۴).

محمد اسد، مستشرق اتریشی، که نام پیشینش لیوپولد وایس (Leopold weiss) است، در سال ۱۹۰۰م. در خانواده‌ای یهودی در شهر نمسا به دنیا آمد. وی از سن ۲۲ سالگی به خاورمیانه و مشرق زمین (کشیمیر و پاکستان) سفر کرد. در این سفرها با مسلمانان و آموزه‌های اسلام آشنا شد و سرانجام پس از تحقیقات مستمر به حقیقت اسلام ایمان آورد و مسلمان شد و نام محمد اسد را برای خویش برگزید (بی‌آزار شیرازی، قرآن ناطق، ۲۲۱ و ۴۴۶) و افتراات و تحریفات شرق‌شناسان و کلیسا را علیه اسلام افشا کرد. وی پس از پذیرش دین اسلام به نقاط مختلف جهان اسلام از شمال آفریقا تا افغانستان مسافرت کرد (العیسی، رجال و نساء اسلموا، بی‌تا: ۱۵۷/۲) و نقش بزرگی در گسترش اسلام در غرب ایفا نمود (هوفمان، یومیات المانی مسلم، ۱۹۹۳: ۶۵).

وی مسلمانان متدین و معتقد به اصول اعتقادی طبق مذهب اهل سنت بود، با این حال، برخی از افکار و دیدگاه‌های او در تفسیر قرآن مورد نقد واقع شده است (صلاح، مکفرون الغربیون المسلمون، ۱۱۷). وی در سال ۱۹۳۴م. کتاب معروف خود به نام «الاسلام علی مفترق الطرق» به چاپ رساند.

وی معتقد بود انسان در اسلام مجبور نیست دنیا را ترک بکند و در اسلام هیچ نیازی نیست که برای تطهیر روحی یک باب مخفی باز شود؛ چون اسلام نه عقیده صوفیه است و نه فلسفه، بلکه اسلوب حیات است. اسلام هیچ گاه جلوی علم و پیشرفت را نگرفت، بلکه می‌گوید انسان اگر تلاش فکری را ادامه دهد، از ملائکه الله بالاتر می‌رود و هیچ دینی نیست که به اندازه اسلام بر عقل تأکید بکند (شلیبی، الاسلام، ۱۹۶۸: ۲۷۷).

محمد اسد ترجمه تفسیری قرآن را در ۱۰۰۵ صفحه ارائه داده و به جای قرآن محمد ﷺ یا ترجمه قرآن نام آن را «رسالة القرآن» (پیام قرآن) نهاده است (هوفمان، یومیات المانی مسلم، ۱۹۹۴: ۶۸). این ترجمه در سال ۱۹۸۰م. توسط دار الاندلس در جبل الطارق به چاپ رسید. کسانی که این ترجمه را بررسی و نقد کرده‌اند، اظهار داشته‌اند که وی نظریه‌های غیر معمولی درباره بعضی مسائل مانند نسخ و تاریخ پیامبران ارائه کرده و از پذیرفتن برخی از معانی تحت اللفظی سر باز زده است (بی‌آزار شیرازی، قرآن ناطق، ۱۳۷۶: ۲۲۱).

وی افزون بر ترجمه قرآن با عنوان رسالة القرآن، تألیفات ارزنده دیگری نیز دارد که برخی آنها را به مثابه جهاد فی سبیل الله توصیف کرده‌اند. این آثار عبارت‌اند از: الطرق الی الاسلام، الاسلام علی مفترق الطرق، شریعتنا، مبادئ الدولة و الحكومة فی الاسلام (عبدالرحمن، جاذبیه الاسلام الروحیه، ۲۰۰۹: ۳۷-۳۸).

وی درباره برتری تعالیم اسلام بر آن است که در تعالیم اسلام نقصی وجود ندارد و آنچه سبب از هم پاشیدگی جوامع اسلامی در عصر حاضر شده، اهمال و کوتاهی مسلمانان است که باید در این باره روشن‌گری کرد (اسد، الاسلام علی مفترق الطرق، ۷۱).

۶. موريس بوكای (۱۹۲۰)

پروفسور موريس بوكای، شرق‌شناس و پزشک فرانسوی، در سال ۱۹۲۰م. در فرانسه به دنیا آمد. پس از فراغت از تحصیل، رئیس کلینیک جراحی دانشگاه پاریس شد. وی پس از تحقیقات بسیار درباره دین اسلام و قرآن کریم و دیدن آیات اعجاز‌آمیز قرآن در زمینه پزشکی به حقانیت قرآن اعتراف کرد و رسماً مسلمان شد.

بوكای موافقت قرآن را با حقایق علمی جدید که در عصر حاضر با تجهیزات پیشرفته در اختیار بشر قرار گرفته، در کتاب «دراسة الكتب المقدسة فی ضوء المعارف الحديثة» اثبات کرده است (رضوان، آراء المستشرقین حول القرآن و تفسیره، ۱۹۹۲: ۳۷/۱).

هنگامی که جسد فرعون به فرانسه منتقل شده بود، دکتر بوكای به عنوان رئیس گروه تحقیقات انتخاب شد و تمام توجهش به این بود که ببیند فرعون چگونه هلاک شده است. قطعه کوچکی از جسد فرعون را جدا کرد و به آزمایشگاه برد. وقتی دقت کرد، دید

که آثار نمک دریا روی بدن فرعون دیده می‌شود؛ لذا نتیجه گرفت که این جسد در دریا غرق شده است و وقتی شادابی جسد را متوجه شد، نتیجه گرفت که این جسد مدت زیادی در آب نمانده است.

این مسئله افکار عمومی بوکای را به خودش مشغول کرده بود تا اینکه پس از چندین ماه همایش پزشکی در عربستان برگزار شد و دکتر بوکای نیز به آن همایش دعوت شده بود. وی در نخستین جلسه این کشف جدید خودش را اعلام کرد. بعد از اعلام این خبر یک پزشک مسلمان به او گفت این کشف شما ۱۴۰۰ سال پیش در قرآن آمده و خصوصاً اینکه در قرآن آمده: ﴿فَالْيَوْمَ نُنَجِّكَ بِبَدَنِكَ﴾ (یونس/۹۲) [۲] که از آن استفاده می‌شود که در همان روز جسد فرعون از آب گرفته شده است. بوکای فوراً تورات و انجیل را نگاه می‌کند که شاید قرآن این داستان را از آنجا گرفته باشد، ولی بعد از جست‌وجو متوجه شد که این مطلب در تورات و انجیل اصلاً مطرح نشده و در همان همایش مسلمان می‌شود (ر.ک: معدی، علماء و مفکرون و ادباء و فلاسفة اسلموا، ۲۰۰۷: ۱۲-۱۶). وی بعدها دست به کاوش عمیقی در سرتاسر آیات قرآن می‌زند و کتابی به نام «تورات و انجیل قرآن و علم» می‌نویسد که به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه شده و قابل استفاده است (توحیدی، قرآن کتابی شگفت‌انگیز، ۱۳۸۳: ۸۳).

وی پس از ده سال مطالعه پیرامون قرآن در سال ۱۹۶۷م. خطاب به مجمع پزشکی فرانسه اظهار داشت: در قرآن موضوعات علمی در ارتباط با تولید مثل و فیزیولوژی وجود دارد که کاملاً با دستاوردهای کنونی علم مطابقت دارد.

کارل ارنست، محقق آمریکایی، بوکای مسلمان را حیرت‌آورترین فردی می‌داند که ادعای انحصارگرایانه اروپاییان را در باب علم به چالش کشید؛ زیرا نظریه اصلی او این بود که قرآن برخلاف کتاب مقدس، حجم چشم‌گیری از اطلاعات را در بر دارد که با اکتشافات علمی جدید در زمینه‌هایی همچون جنین‌شناسی همخوان است (ارنست، اقتدا به محمد ﷺ، ۱۳۹۰: ۱۷۷).

بوکای با تحقیقات خویش به این نتیجه رسید که قرآن از وحی الهی سرچشمه گرفته است، در مقابل، کتاب مقدس به رغم پدیدآوردگان بشری متعددش، فاقد چنین عمق علمی است و در نتیجه نمی‌توان به لحاظ وحیانی بودن، هم سطح قرآن باشد (همان، ۱۷۷-۱۷۸). بوکای در نقد نظریه داروین بر آن بود که تکامل داروینی صرفاً یک نظریه است که نه می‌تواند جایگاه علم حقیقی داشته باشد و نه جایگاه وحی حقیقی (همان، ۱۷۸).

مضامین اعجاز‌آمیز و ادبیات فصیح و اعجاز پزشکی قرآن در کنار خبر از آینده و آینده‌نگری قرآن که در مجموع معارف عظیم قرآنی را تشکیل می‌دهد، دانشمندان غرب، محققان و مستشرقان منصف را بر آن داشته تا اذعان کنند که قرآن کریم منشأ الهی دارد و نمی‌تواند از تجربیات و ضمیر باطنی شخص و زبان بشر در قرن هفتم میلادی جاری شده باشد. بوکای در این باره می‌نویسد: «اگر بشر نویسنده و مصنف قرآن می‌بود، چطور می‌توانسته است در قرن هفتم میلادی چیزی بنویسد که امروزه با شناخت‌های دانش نو موافق آید» (بوکای، مقایسه‌ای میان تورات و انجیل، بی‌تا: ۱۶۶).

وی همچنین سخنی می‌گوید که در آن راز تبدیل نام اسلام و یا پیروان اسلام (مسلمانان) به «محمدیون» در غرب پرده بر می‌دارد. وی می‌گوید: «من در دوره جوانی انگیزه‌ای برای تحقیق درباره اسلام نداشتم؛ زیرا غالباً در غرب واژه محمدیون را به جای اسلام مطرح می‌کردند تا چنین وانمود شود که این دین ساخته و پرداخته یک بشر است نه یک دین که شایسته بررسی باشد...» (زمانی، مستشرقان و قرآن، ۱۳۸۸: ۱۳۰).

بوکای درباره قرآن کریم می‌نویسد: قرآن برترین کتابی است که عنایت ازلی به سوی بشر فرستاد و آن کتابی است که شک و ریب در آن راه ندارد و بدون کوچک‌ترین اغراق و مبالغه یا تعصب باید گفت: قرآن از تمام جهات معجزه است (علیقلی، قرآن از دیدگاه ۱۱۴ دانشمند جهان، ۵۲؛ نیز، ر. ک: معدی، علماء و مفکرون و ادباء و فلاسفة اسلموا، ۲۰۰۷: ۱۱-۱۸).

۷. مراد ولفرید هوفمن (۱۹۳۱م)

مراد ولفرید هوفمن (Murad Wilfrid Hofmann) در سال ۱۹۳۱م. در آلمان در یک خانواده کاتولیک دیده به جهان گشود. در شهر مونیخ حقوق آلمانی و در کالج یونیون آمریکا و دانشکده حقوق هاروارد، حقوق آمریکایی را تحصیل کرد

(هوفمن، الطرق الی مکه، ۵۵). از سال ۱۹۸۳ - ۱۹۸۷ م. رئیس بخش اطلاع‌رسانی ناتو در بروکسل، از ۱۹۸۷ - ۱۹۹۰ م. سفیر آلمان در الجزایر و از سال ۱۹۹۰ - ۱۹۹۴ م. سفیر آلمان در مغرب بود. دوران اقامتش در الجزایر و مغرب سبب آشنایی او با اسلام شد و در اثر این آشنایی و تحقیقات عمیق و معاشرت با مسلمانان در سال ۱۹۸۰ م. در مغرب دین اسلام را پذیرفت (هوفمن، یومیات المانی مسلم، ۱۳؛ معدی، من مشاهیر العالم الذین اسلموا، ۲۰۰۷: ۸۱) و در سال ۱۹۹۲ م. برای انجام فریضه حج به مکه مکرمه مشرف شد (صلاح، المفکرون الغربیون المسلمون، ۱۸۹). هوفمن عضویت افتخاری شورای مرکزی مسلمانان در آلمان نیز در کارنامه کاری خویش دارد (<http://www.al-shia.com>).

هوفمن پس از اشتهار به اسلام به شدت مورد اعتراض و برخورد نشریات آلمان قرار گرفت (معدی، من مشاهیر العالم الذین اسلموا، ۲۰۰۷: ۸۱)، با این حال، در دفاع از حقایق اسلام کتاب‌های زیادی نوشت که بسیاری از آنها به زبان عربی ترجمه شده است. برخی از آثار او بدین قرار است:

«الاسلام کبديل»؛ در این کتاب بعضی از احکام و اصول اسلامی از دیدگاه قرآن مورد بررسی قرار داده و طبق مطالعات خود، آیات قرآنی را تفسیر کرده است.

«الطریق الی مکه»؛ هوفمن در این کتاب سفرنامه خود به مکه مکرمه و آشنایی خود با اعراب و مسلمانان را توضیح داده است.

«الاسلام فی الألفية الثالثة»؛ «الاسلام عام الفین»؛ «طریق فلسفی الی الاسلام»؛ «دور الفلسفة الاسلامیه» و «یومیات مسلم آلمانی» از دیگر کتاب‌های اوست که به زبان عربی ترجمه شده است.

دکتر هوفمن تحریم شرب خمر را از بارزترین مظاهر اسلامی می‌داند که وی را به طرف اسلام متحول کرده است (هوفمن، رحلة الی مکه، ۷۱).

هوفمن درباره توازن کامل و دقیق میان ماده (جسم) و روح در اسلام چنین می‌گوید: آخرت چیزی جز جزای عمل در دنیا نیست و اهتمام و تلاش در دنیا از همین امر نشأت می‌گیرد. به همین دلیل، قرآن به فرد مسلمان چنین آموزش می‌دهد که نه فقط برای آخرت، بلکه برای دنیا نیز دعا کند: ﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً﴾ و حتی آداب غذا خوردن و دیدار با آشنایان نیز در شریعت اسلامی بی نصیب نمانده است (هوفمن، الاسلام کبديل، ۵۵-۱۱۵).

وی در باره قرآن کریم، معجزه جاوید پیامبر اکرم ﷺ، ابراز می‌دارد: فرد مسلمان ایمان دارد که قرآن کریم کلمه الله است و مخلوقی از مخلوقات نیست. خداوند آن را به محمد ﷺ با زبان عربی در زمان محدود خاصی [۲۳ سال] وحی کرده است و آن تنها معجزه اسلام، دلیلی قاطع و برهانی ساطع بر نبوت حضرت محمد ﷺ است (معدی، مشاهیر العالم الذین اسلموا، ۲۰۰۷: ۸۶).

وی در ادامه با اعتقاد به وحیانی بودن قرآن کریم و تدوین بشری کتاب مقدس، در مقایسه این دو می‌گوید: بنابراین قرآن مانند عهد قدیم و جدید نیست که شخصی به صورت غیر مستقیم از شخصی دیگر یا درباره شی‌ای یا به نقل از خدا سخن می‌گوید، بلکه در قرآن کریم گوینده و آن که احسن القصص را می‌سراید، خداوند است که به صورت مستقیم سخن می‌گوید... همچنان که به ما آموزش می‌دهد تا او را از جنس و نظیر و تشبیه و... تنزیه کنیم و از خود با تعابیر مختلف یاد می‌کند تا مسئله تنزیه خداوند سبحان را از تجسید و تشخیص نصب العین انسان‌ها قرار دهد (همان، ۸۶-۸۷).

از دیدگاه وی، آیه ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾ (انعام/۱۶۴) نقشی اساسی در عقاید اسلامی ایفا می‌کند و به صراحت مفهوم گناه نخستین آدم را که دامن‌گیر بشریت شده، انکار می‌نماید (هوفمن، یومیات المانی مسلم، ۱۹۹۳: ۱۲۰).

۸. تسویتان تیوفانوف

پروفسور تسویتان تیوفانوف، مستشرق بلغاری، استاد دانشگاه صوفیه و عضو انجمن مستشرقان آمریکایی و عضو اتحادیه

مستشرقان است.

وی در صوفیه بلغارستان به دنیا آمد و در دانشگاه صوفیه در رشته استشراق پذیرفته شد. تحصیلات خود را در رشته تخصصی ادبیات عرب در دانشگاه بغداد به پایان رساند و پس از آن به عنوان استادیار در دانشگاه صوفیه مشغول شد. وی تخصص خود را در مقطع دکترا در دانشگاه سلطنتی انگلستان و دانشگاه مسکو با دفاع از رساله‌اش در موضوع شرق‌شناسی با عنوان «سبک تدریس فلسفه و ادبیات عرب» به پایان رساند.

تیوفانوف در سال ۱۹۹۷م. همزمان با سفر حج و زیارت مکه و مدینه رسماً اسلام را پذیرفت.

وی می‌گوید: پدر و مادرم ملحد بودند. برای آنان اسلام و هر دین دیگری افیون ملت‌ها یعنی وسیله فریب و جدایی از واقعیت‌ها به شمار می‌آمد (ترجمان وحی، سال هفتم، ۸۱/۱). به همین دلیل، من برای رسیدن به حقایق اسلام راهی طولانی را پیمودم و آن را پذیرفتم؛ چون اسلام دین حقی است که میان بشر مساوات ایجاد می‌کند و همه حقوق انسانی را حفظ می‌کند و ارکان صلح و امنیت را در همه جوامع بشری محکم و استوار می‌سازد.

وی درباره نخستین نشانه‌های گرایش خود به دین اسلام می‌گوید: «من زیبایی قرآن مقدس را از همان سال‌های کودکی خود احساس کردم. آهنگ و ساختار آیات آن توجه و علاقه مرا به خود جلب می‌کرد. می‌توان گفت که این نخستین نشانه‌های گرایش من به اسلام بود» (ترجمان وحی، ۸۲/۱۳).

وی بعد از مسلمان شدن قرآن کریم را به زبان بلغاری ترجمه کرد. ترجمه وی بیش از ده سال طول کشید. پس از اینکه چند بار ترجمه‌اش را تصحیح کرد، آن را برای کنترل نهایی به کمیسیون معتبری که از سوی مفتی اعظم مسلمانان در جمهوری بلغارستان تشکیل شده بود، داد و کمیسیون مذکور پس از یک سال مطالعه، ترجمه او را به تصویب رساند. این ترجمه در سال ۱۹۹۷م. به چاپ رسید. دو سال بعد با اصلاحات، اضافات و فهرست موضوعی تجدید چاپ شد (ترجمان وحی، سال هفتم، ۸۱/۱-۸۳).

درباره ترجمه قرآن می‌گوید: ترجمه در حقیقت آرام خواندن است که ژرفنگری در مفاهیم مشکل آیات و ساختار ترکیبی آنها را می‌طلبد... مشکل اساسی در ترجمه قرآن از اینجا پدید می‌آید که کلام معجزه‌آسای الهی نخست باید از طریق شعور پذیرفته شود، آنگاه از راه قلب به الهام شاعرانه مبدل گردد [در حالی که] انسان همواره در حالت مناسبی نیست تا به چنین وضعیتی دست یابد و از این ارتقای معنوی بهره برد. مشکل دوم در ترجمه قرآن محتوای فوق العاده غنی و فرم زیبایی آن است. عملاً قرآن ترجمه ناشدنی است و هر ترجمه‌ای تا حد زیادی یک بعدی و بی‌رنگ است (ترجمان وحی، سال هفتم شماره ۸۵/۱).

وی درباره نقش قرآن در زندگی فردی و اجتماعی بشر امروز می‌گوید: از آنجا که قرآن از کلیه مرزهای شناخته شده عبور کرده و در عین حال مربی و معلمی است که بشر را به راه راست هدایت می‌کند، می‌تواند تمام نیازهای فردی و اجتماعی او را تأمین نماید. برای خود من قرآن دریایی از اندیشه و خرد و مملو از اسراری است که با آموختن آنها می‌توان بدان دست یافت. وی علت آمار رو به افزایش گرایش به اسلام، امری غیر تصادفی و مربوط به ویژگی معجزه‌آسای قرآن کریم می‌داند.

۹. ادواردو آگنلی ایتالیایی

ادواردو آگنلی (Edoardo Agnelli) در ۶ ژوئن ۱۹۵۴ به دنیا آمد. پدرش سناتور جیووانی آگنلی ثروتمندترین مرد ایتالیا و مالک کارخانجات اتومبیل سازی بود. ادواردو تحصیلات مقدماتی را در ایتالیا طی کرد و بعد به کالج آتلانتیک در انگلستان رفت و پس از آن در رشته ادیان و فلسفه شرق از دانشگاه پرینستون ایالات متحده با اخذ درجه دکتری فارغ التحصیل شد. وی زمانی که قرآن را در میان کتاب‌های کتابخانه می‌بیند، کنجکاو می‌شود و پس از خواندن آن می‌گوید: احساس می‌کنم این کلمات، کلمات انسانی و بشری نیست و کلمات حق و نورانی است.

با مطالعه قرآن کریم و رسیدن به برتری معارف اسلام، سرانجام در سال ۱۹۷۴م. در دانشگاه نیویورک اسلام خویش را اعلام

کرد و سپس با انتخاب مذهب تشیع، نام مهدی را برای خویش برگزید. یهودیان صهیونیست در پی نگرانی از مسلمان شدن او زمینه قتل او را فراهم ساختند. نویسنده کتاب «آشنایی با استشراق» وی را «شهید تشیع» لقب داده است (زمانی، آشنایی با استشراق، ۱۳۸۸: ۱۶۲).

۱۰. ابراهیم خلیل فیلوبوس

ابراهیم خلیل فیلوبوس در سال ۱۹۱۹م. در اسکندریه به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس آمریکایی سپری کرد و دیپلم تخصصی علوم دینی دانشکده اسیوط را دریافت کرد تا آماده ورود به دانشگاه لاهوت مصر بشود و تحصیلات عالی آیین مسیحیت را برای کشیش شدن بگذارند. شرایط سختی برای ورود به دانشکده لاهوت برای او پیش آمد؛ زیرا می‌بایست گواهی ایمانی و استعداد عالی خود را برای پذیرش ارائه دهد. سر انجام وارد دانشکده شد و نزد اساتید آمریکایی و مصری شروع به تحصیل کرد. رساله پایان‌نامه وی «راهکار تبلیغ مسیحیت در بین مسلمانان» بود. در سال ۱۹۵۲م. فوق لیسانس تبشیر را از دانشگاه برنستون آمریکا گرفت و استاد دانشگاه لاهوت اسیوط شد (معدی، قساوسه و مبشرون و احبار اسلموا، ۲۰۰۷: ۱۷-۲۶؛ همو، علماء و حکماء من الغرب انصفوا الاسلام، ۱۹).

وی می‌نویسد: موضوع درس من «مغالطه‌ها و بررسی اشکالات و تناقضات قرآن» بود، اما هرچه بیشتر قرآن را به این هدف مطالعه می‌کردم، بیشتر به حقانیت آن پی می‌بردم تا آنکه پس از یک سخنرانی علیه اسلام و قرآن در کنفرانس تبشیری که در هتل «کترالت اسوان» تشکیل شده بود، احساس عذاب وجدان کردم که چرا این قدر دروغ می‌گویم. آن شب مرتب در اندیشه بودم و آیه ﴿لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ...﴾ (حشر ۲۱) و آیه ﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ...﴾ (مائده/۸۲) را تلاوت می‌کردم. آن شب تصمیم گرفتم و دین مبین اسلام را انتخاب و اعلام کردم (زمانی، مستشرقان و قرآن، ۱۳۸۸: ۳۴۱). زیرا از نظر او اسلام دین منطق و عقل است و بر خلاف مسیحیت که آباء کلیسا و کشیشان را واسطه میان خدا و انسان قرار داده، هیچ واسطه‌ای بین خداوند و انسان قرار نداده است (محمد فی التوراة و الانجیل، ۱۷۳؛ به نقل از: علماء و حکماء من الغرب انصفوا الاسلام، ۸۴) و بدین سان در سال ۱۹۵۹م. به دین مبین اسلام مشرف شد (همان، ۱۹) و نام «حاج ابراهیم خلیل احمد» برای خود انتخاب نمود.

وی بعد از پذیرش اسلام کتاب‌های نفیسی به رشته نگارش درآورد. برخی از آنها عبارت است از: محمد فی التوراة و الانجیل و القرآن، المستشرقون و المبشرون فی العالم العربی و الاسلامی، الاستشراق و التبشیر و صلتهما بالامیریالیة العالمیه، المسیح انسان لا اله، الاسلام فی الکتب السماویة، المخطط التبشیری والاستعمار، اعرف عدوک... (اسرائیل) (معدی، قساوسه و مبشرون و مبشرون و احبار اسلموا، ۱۷).

۱۱. والریاپورخوا

والریاپورخوا در شمالی‌ترین نقطه اوهتا (Uhta) روسیه در خانواده‌ای مسیحی به دنیا آمد. در دو ماهگی پدرش کشته شد و بعدها به همراه مادرش در مسکو زندگی را گذراند. مدرک دانشگاهی فوق لیسانس خود را در مسکو از دانشگاه زبان‌های خارجی (انگلیسی و آلمانی) و دکترا را از آکادمی علوم روسیه بخش فلسفه گرفت و به تدریس در دانشگاه مشغول شد. وی با فردی سوری‌تبار به نام محمد سعید الرشید، مسئول مرکز اسلامی «الفرقان» روسیه، ازدواج کرد؛ ازدواجی که زمینه آشنایی او را با اسلام و قرآن کریم فراهم نمود (خرمشاهی، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ۱۳۷۷: ۵۴۲).

وی دلیل مسلمان شدن خود را چنین بیان کرده است: به خاطر مطالعه و دقت در قرآن کریم مسلمان شدم و دیدم که دین ما مسیحیت و دین یهود و همه ادیان الهی محدود به زمانی خاص بودند. این در حالی است که پیامبران ادیان، وعده دینی ماندگار و جاودانه به مردم داده‌اند. وقتی درباره دین اسلام و قرآن تحقیق و جست‌وجو کردم، با اطمینان قلبی اسلام را به عنوان تنها دین ماندگار پذیرفتم و مسلمان شدم (مجله پرسمان، مهر ۱۳۸۳، ش ۲۵).

وی نخستین زن روسی زبان است که بعد از مسلمان شدن به ترجمه قرآن کریم پرداخته و آن را در مدت شش سال در کشور سوریه و با عنایت به سنت‌های اسلامی و بهره‌گیری از کمک‌های محققان مختلف مسلمان به سامان رسانده است (خرمشاهی، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، ۱۳۷۷: ۵۴۲). همسر وی که از صاحب نظران علوم دینی و مسائل قرآنی و آشنا به زبان روسی است نیز بر ترجمه وی نظارت داشته است. به نظر کارشناسان دکتر پوروخوا بهترین ترجمه قرآن کریم را به زبان روسی ارائه نموده است.

خانم دکتر پوروخوا درباره چگونگی انجام این مهم می‌گوید: مطالعه قرآن آن چنان مرا شیفته کرد که تصمیم به ترجمه آن به زبان روسی گرفتم. وی با توجه به این حدیث نبوی که «قرآن را بیاموزید و به دیگران تعلیم دهید» می‌گوید: با این ترجمه خواسته‌ام که ندای قرآن را به گوش هم‌وطنان روسی خود برسانم.

وی انگیزه خود را از ترجمه قرآن کریم به زبان روسی چنین بیان می‌کند: قرآن قبل از انقلاب روسیه بارها توسط غیر مسلمانان به زبان روسی ترجمه شده بود، ولی هیچ کدام مورد تأیید نبود. چون همگی با دیدگاه مسیحیت به قرآن می‌نگریستند. من بعد از مسلمان شدن احساس کردم وظیفه دارم تا این کار را به طور دقیق و درست انجام دهم... بی‌وقفه در این زمینه کار کردم و خوشبختانه موفق شدم ترجمه‌ای ارائه دهم که هم با استقبال جامعه روسیه و هم با تأیید علمای اسلام رو به رو شود (مجله پرسمان، مهر ۱۳۸۳، ش ۲۵).

در جایی دیگر می‌گوید: انگیزه من از ترجمه قرآن کریم به زبان روسی به این جهت بود که معتقد شدم که قرآن مجید اولین و آخرین کلام خداست که اصالت بی‌نظیرش را حفظ کرده و از دستبرد زمان و اشخاص محفوظ مانده است. از طرفی، در وجود خود تمام امکانات (معنوی و مادی) را برای انجام ترجمه می‌دیدم؛ از این رو در صدد برآمدم که دقیق‌ترین و مناسب‌ترین معنای متن را ارائه دهم (خرمشاهی، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، ۱۳۷۷: ۵۴۲). درباره اهمیت این ترجمه باید اذعان داشت که یکی از خلأهای آشنایی روسی زبانان با قرآن را از میان برداشته و دسترسی مستقیم به قرآن را برای آنان فراهم آورده است (www.al-shia.com).

۱۲. عبدالکریم جرمانوس

پروفیسور عبدالکریم جرمانوس مستشرق معروف مجارستانی است که در اثر تحقیقات خود در سال ۱۹۳۰م. اسلام آورد (رضوان، آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره، ۱۹۹۲: ۳۷/۱). وی در سال ۱۹۳۰ میلادی در دانشگاه بنگال در هند معلم بود. در دانشگاه با تعلیمات اسلام آشنا شد و اسلام را پذیرفت. بعد از مسلمان شدن اسم «عبدالکریم» را برای خودش انتخاب کرد چون می‌گوید: جداً خداوند نسبت به من خیلی کریم بوده و مرا همیشه در زندگی موفق داشته است.» سپس به مکه مشرف شد و مدت‌ها در کشورهای اسلامی و عربی در دانشکده‌های مختلف تدریس کرد. در کتابخانه‌ی خود نسخه‌های متعدّد قرآن کریم به زبان‌های مختلف را گرد آورد و به آنها افتخار می‌کرد. (موسسه در راه حق، چرا مسلمان شدم، ۱۳۶۰: ۹۷).

محمود عقاد او را به مثابه ده دانشمند در یک نفر توصیف کرده است (معدی، علماء و مفکرون و ادباء و فلاسفة اسلموا، ۲۰۰۷: ۳۰). وی به هشت زبان عربی، فارسی، ترکی، اردو، آلمانی، فرانسوی، مجاری، یونانی، لاتینی، ایتالیایی و انگلیسی تسلط داشت و تألیفات خویش را با آنها به جهان عرضه کرد (همان، ۳۱).

وی از جمله مستشرقانی است که وثاقت حقایق علمی قرآن کریم سبب شده تا دین مبین اسلام را بپذیرد (رضوان، آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره، ۱۹۹۲: ۳۷/۱). وی پس از مسلمان شدن بیش از ۱۵۰ عنوان کتاب درباره اسلام تألیف کرد (همان؛ معدی، علماء و مفکرون و ادباء و فلاسفة اسلموا، ۲۰۰۷: ۳۰).

برخی از آثار او عبارت است از: معانی القرآن، الحركات الحديثة في الاسلام، شوامخ الادب العربي، الله اكبر، الثورة التركیة، قومية العربية، التيارات الحديثة في الاسلام، اكتشاف الجزيرة العربية و سوريا و العراق و غزوها، نهضة الثقافة العربية، دراسات في التركيبات

اللغوية العربية، ابن الرومي، بين المفكرين، نحو انوار الشرق، منتخب الشعراء العرب، في ثقافة الاسلام، ادب المغرب (معدی، علماء و مفكرون و ادباء و فلاسفة اسلموا، ۲۰۰۷: ۳۰ و ۳۴).

۱۳. مارگرت مارکوس (۱۹۳۴)

وی در سال ۱۹۳۴م. در نیویورک به دنیا آمد. خانواده وی یهودی و اصالتاً آلمانی بود که به شریعت یهود ملتزم نبودند. بنا به گفته نامبرده، خانواده‌اش قدم به قدم در دوری یافتن از دین به مارکسیسم نزدیک‌تر می‌شد و رفته رفته به الحاد روی آوردند (عبدالرحمن، جاذبیه الاسلام الروحیه، ۲۰۰۹: ۴۷).

روند آشنایی وی با قرآن کریم از علاقه شدید او به موسیقی به ویژه موسیقی عربی آغاز شد. در سن هیجده سالگی برای اولین بار قرائت سوره مریم را با نوای خانم ام‌کلثوم استماع کرد و بسیار متأثر شد (همان، ۵۱-۵۳).

پس از تشرف به دین اسلام در سال ۱۹۶۱م. نام «مریم جمیله» را برای خویش انتخاب کرد. وی درباره علت پذیرش دین اسلام می‌نویسد: پس از آنکه همه کیش‌های بزرگ را مورد بررسی قرار دادم، به این نتیجه رسیدم که به طور کلی همه مذاهب بزرگ یکی بوده‌اند، ولی به مرور زمان فاسد شده‌اند، اما هیچ یک از اندیشه‌هایی که مرا منجز ساخته بود در اسلام پیدا نمی‌شد، بلکه به صورت روز افزونی احساس می‌کردم که اسلام آن مذهب اصیلی است که طهارت خودش را حفظ کرده است (عطایی اصفهانی، اعترافات، ۱۳۸۳: ۱۷۵/۲).

وقتی من تمایل پیدا کردم که اسلام را قبول کنم، خانواده‌ام در این باره با من بحث و گفت‌وگو می‌کردند و به من اخطار می‌دادند که چون اسلام در صحنه زندگی آمریکایی سهمی ندارد، زندگی من پیچیده و مشکل خواهد شد. در این ایام من مریض شدم و پدر و مادرم با ناامیدی مرا به بیمارستان سپردند، ولی نذر کردم که اگر بهبود پیدا کردم رسماً به دین اسلام می‌پیوندم که بعد از این نذر خیلی زود شفا پیدا کردم و اسلام خویش را اعلام کردم (همان).

وی از طریق مکاتبات خود با ابوالاعلی مودودی در پاکستان پرسش‌های مختلف خویش را در زمینه‌های مختلف مطرح می‌کرد. وی این مکاتبات را در کتابش به نام «جاذبه اسلام» گرد آورده که به فارسی نیز ترجمه شده و از معروف‌ترین تألیفات اوست. مریم جمیله در زمان حیات ابوالاعلی مودودی به پاکستان مهاجرت کرد و پس از ازدواج در شهر لاهور سکنی گزید.

مریم جمیله در پژوهش‌های خویش پیرامون سنت نبوی ﷺ با استناد به آیه ۵۹ سوره نساء به این حقیقت اسلامی رسید که انکار سنت نبوی بسان انکار قرآن کریم است؛ زیرا خود قرآن اطاعت از خدا و اطاعت از رسول اکرم ﷺ را بر مؤمنان واجب کرده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ (نساء/۵۹؛ عبدالرحمن، جاذبیه الاسلام الروحیه، ۲۰۰۹: ۵۸).

مریم جمیله در باره قرآن کریم می‌گوید: قرآن وحی از سوی خداست و تألیفی بشری نیست که به وسیله محمد ﷺ صورت گرفته باشد چنان که برخی همچون جرج سال و گروهی از مبشران و مستشرقانی که از اسلام حقد و کینه دارند، چنین گمانی دارند، بلکه قرآن پاسخ‌هایی قانع‌کننده‌ای است که برای حل مشکلات بزرگ حیات بشری ارائه شده است؛ پاسخ‌هایی که در هیچ دین دیگری یا در هیچ فلسفه دیگری دست یافتنی نیست (همان).

این دانشمندان آمریکایی جنبه‌های اعجاز قرآن را چنین ترسیم می‌کند: جنبه اعجاز قرآن نه فقط مربوط به اصل و محتویات آن، بلکه مربوط به شکل و ظاهر آن نیز می‌باشد. وی همچنین درباره تحدی قرآن می‌گوید: چگونه مردی درس نخوانده توانسته است چنان اثری را به وجود بیاورد که نه فقط بالاتر و برتر از آن چیزی وجود ندارد، بلکه قابل مقایسه نیست. قرآن مقامی دارد که حتی اگر جن و انس با یکدیگر همکاری کنند نمی‌توانند شبیه آن را به وجود بیاورند. حضرت محمد ﷺ از طرف خدا اجازه داشت تا همه مخالفان را به مبارزه دعوت کند که یک سوره نظیر آن بیاورند. طرف‌های این مبارزه هیچ وقت نتوانستند نظیر آن را بیاورند (علیقلی، قرآن از دیدگاه ۱۱۴ دانشمند جهان، ۲۴؛ نظریه دانشمندان جهان درباره قرآن و محمد ﷺ، ۲۷).

مریم جمیله تا کنون کتاب‌ها و مقالات بسیاری راجع به اسلام به انگلیسی نگاشته است. تعداد تألیفات او ۲۶ عنوان کتاب است (عبدالرحمن، جاذبیه الاسلام الروحیه، ۲۰۰۹: ۶۲). برخی از او به سفیر اسلام در گستره جهان یاد کرده‌اند که به زبان انگلیسی رسالت خویش را انجام داده است (همان، ۶۳).

از آثار او می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: اسلام در برابر غرب؛ منشور نهضت اسلام؛ اسلام و غرض‌ورزی‌های خاورشناسان؛ اسلام و مدرنیسم؛ اسلام در تئوری و عمل؛ اسلام در برابر اهل کتاب در گذشته و حال؛ احمد خلیل (شرح حال یک پناهنده عرب فلسطین)؛ اسلام، مورد حمله از خارج و داخل؛ تمدن غرب بالذات محکوم است؛ جاذبه اسلام (www.al-shia.com؛ نیز، ر.ک: عبدالرحمن، جاذبیه الاسلام الروحیه، ۲۰۰۹: ۸۰).

نخستین مجموعه مقالات وی به نام «اسلام در برابر غرب» به فارسی ترجمه شده است. پیام زیر به عنوان یک اعتراف از سوی یک اسقف کاتولیک که حاوی نکات مهمی درباره اسلام و مسیحیت است، از این کتاب است: اسقف یوسف کیوانوکا ضمن پیام مخصوصش که حاکی از نگرانی شدید مبلغان مسیحی در سرزمین اوگاندا می‌باشد، خطاب به پاپ یوحنا چنین می‌گوید: «اینکه مسلمانان می‌توانند آفریقا را تسخیر کنند، واضح‌ترین دلیل عجز کامل مسیحیت در آفریقا است. با وجود اینکه از میان مذاهب مختلف دنیا تنها مبلغان مسیحی از تبلیغ مذهب در آفریقا برخوردارند و امور تعلیم و تربیت آفریقا هم در اختیار آنهاست و با وجود مدارس فراوان و بیمارستان‌های متعددی که به منظور مسیحی کردن مردم تأسیس کرده‌اند، مسیحیت در آفریقا تأثیر اندکی دارد و کمی تأثیر آن به حدی است که یکی از همکاران نیجریه نزد نماینده نیویورک تایمز اعتراف کرده که عده‌ای از آفریقایی‌هایی که وی مسیحی نموده و آنها را در کلیسای کاتولیکی رُم غسل تعمید داده است، فعلاً به طور منظم و مرتب نماز می‌خوانند و به مساجد محلی می‌روند و در ماه رمضان روزه می‌گیرند» (شریعتی، وحی و نبوت در پرتو قرآن، ۱۳۸۴: ۴۱۳).

۱۴. ر.ج. فلورز

فلورز از کشیشان بلندپایه انگلیسی و از مستشرقانی است که در اثر تحقیقات و تفکرات عمیق خویش به اسلام و مذهب تشیع گرایش یافت. وی گرایش عمیق خود را از مذهب مسیحی ارتدوکس به اسلام و تشیع چنین بیان می‌کند: عاملی که مرا به ترک دین غربی خودم یعنی ارتدوکس و پذیرفتن یک دین شرقی یعنی اسلام فراخواند، زائیده عواطف و احساسات نبوده بلکه نتیجه مراجعات تفصیلی، تفکر عمیق و اجابت نیایش‌ها و مطالباتم از جانب خداوند بوده است... بعد از انتصابم به مقام کشیشی مشاغل مربوط به کلیسا را رها کرده و وقتم را به مراجعه بیماران و معالجه ایشان گذراندم و در این دوره هم فرصتی برای وقوف بر اعمال فرقه ارتدوکس و سایر فرقه‌ها داشتم که با کمال تأسف غیر از ریا و عقاید خرافی محض چیزی ندیدم. بنابراین، توسعه دین اسلام و صحت طبیعی و واقعی روش مسلمانان اثر نهایی خود را برای تصمیم جازم من بر پذیرفتن این دین گذاشت و من مصمم شدم که تمام عاداتم به دین مسیحیت غربی را قطع کنم (www.al-shia.com).

وی طی نامه‌ای به رئیس سازمان شیعه امامیه در لندن راز گرایش خویش را به تشیع چنین بیان می‌دارد: «اتقان و استواری مکتب جعفری و آمیختگی آن با عطوفت، عدالت انسانی، دوری از خرافات و هر گونه بیهودگی و قدردانی عظیم این مکتب از ارزش خدمت به خلق و تعاون و روابط نیک انسانی با یکدیگر راز گرایش من به تشیع است».

۱۵. میشو بیلر

میشو بیلر (E Michaux - Beuaire) از اعلام و دانشمندان بنام تاریخ مغرب است. وی مدتی مدیر حرکت علمی در فرانسه بود. بعد از اسلام آوردن با زن مغربی ازدواج کرد و همچون اهل مغرب از حیث عبادت، رفتار و گویش زندگی کرد (عقیقی، المستشرقون، ۱۳۷۸: ۲۲۰/۱).

کتاب‌ها و مقالات متعدد و مفیدی از وی در مجلات مختلف انتشار یافته است. نجیب العقیقی در کتاب المستشرقون برخی از آثار قلمی او را چنین گزارش کرده است:

علم الروایه، القصر الكبير، قبائل العرب فی وادی لقوس، مسلمو الجزائر فی المغرب، وصف مدینة فاس، الغرب، الحبوس فی طنجة، الخرافة و المغرب، الاسلام و المغرب، الجمعیات الدینیة فی المغرب، حول الریف، علم الاجتماع المغربی، الوهابیون فی المغرب. این آثار در مجله مجله المحفوظات المغربیة انتشار یافته است.

بربر المغرب، ملکیات الحبوس و الملكات المخزن، فی قصر سلطان المغرب، حق التملك فی المغرب، عادات البربر عند قبائل العرب، الاسلام و دولة المغرب، الرق فی المغرب، الضریبة و القانون الاسلامی فی المغرب، استشارات مغربیة فی امر الخلافة، دراسات مغربیة، بعض مظاهر الاسلامی لدى البربر. این مقالات و مقالاتی دیگر از او در مجله العالم الاسلامی منتشر شده است. تاریخ الجمعیات المغربیة، السماء، الارض المشاعة فی المغرب از دیگر مقالات اوست (عقیقی، المستشرقون، ۱۳۷۸: ۲۲۱/۱).

۱۶. تامس بالنین اروینگ

دکتر تامس بالنین اروینگ (T. B. Irving) مستشرق آمریکایی است که از مسیحیت به اسلام گرویده و نام «حاج تعلیم علی» را برای خود برگزید (بی‌آزار شیرازی، قرآن ناطق، ۱۳۷۶: ۲۱۷). وی رئیس بخش علوم و فنون اسلامی کالج آمریکایی در شیکاگو و استاد برجسته دانشگاه تنسی و متخصص در زبان‌شناسی بود.

دکتر اروینگ (حاج تعلیم علی) که خود از مترجمان قرآن کریم است و قرآن را برای نخستین بار با نثر انگلیسی جدید ترجمه و منتشر کرد (زمانی، آشنایی با استشرق، ۱۳۸۸: ۱۶۱)، همچون بسیاری دیگر از قبیل محمد مارمادوک پیکتال و محمد اسد با مطالعه ترجمه قرآن جرج سیل - که با ۱۲۳ بار تجدید چاپ در اروپا و آمریکا بسیاری از تهمت‌ها را زدود - مسلمان شد (ر.ک: بی‌آزار شیرازی، قرآن ناطق، ۱۳۷۶: ۴۴۶). وی بعد از بیست و سه سال تلاش برای ترجمه تفسیری قرآن به زبان انگلیسی - آمریکایی (عقیقی، طبقات مفسران شیعه، ۱۳۷۸: ۹۰) درباره ترجمه قرآن به این نتیجه می‌رسد که «قرآن را باید ترجمه‌ناپذیر دانست؛ چه هر بار که انسان به متن عربی اصلی باز می‌گردد، معانی جدید و راه‌های تازه‌ای برای ترجمه یا تعبیر آن می‌یابد» (بی‌آزار شیرازی، قرآن ناطق، ۱۳۷۶: ۲۱۸).

اروینگ در مقدمه ترجمه خود ترجمه‌های گذشته را مورد نقد قرار می‌دهد و تحقیقات جهت‌دار و غرض‌آلود نولدکه و بل را بی‌اهمیت می‌خواند. وی همچنین کوشیده است بخشی از قصور اروپاییان را نسبت اسلام جبران کند و تلاش کرده که اسلام را از درون و در پرتو قرآن و سایر امهات آن ببیند.

وی در بخش دیگر مقدمه، بحث زبان‌شناختی دقیقی درباره ساختار زبان عربی در مقایسه با زبان انگلیسی مطرح می‌کند و درباره رعایت سبک در نثر ترجمه می‌نویسد: «این ترجمه بر حسب اقتضای متن اصلی عربی یا به نثرهای عادی و یا به شعر آزاد و موزون انجام گرفته است... اگر ترجمه من حسنی داشته باشد، صرفاً در این است که برای مردم مسلمان جوان آمریکا و کانادا در عهد نوجوانیشان می‌تواند نثری بی‌تصنع و بی‌تکلف باشد» (بی‌آزار شیرازی، قرآن ناطق، ۱۳۷۶: ۲۱۸).

قرآن پژوه معاصر، استاد خرمشاهی، پس از بررسی «اجمالی سه ترجمه انگلیسی قرآن از اروینگ، آربری و پیکتال چنین اظهار نظر کرده است که ترجمه اروینگ در مقایسه با ترجمه ادیبانه و شاعرانه آربری و ترجمه پیکتال با سبک ترجمه‌های قدیمی کتاب مقدس (عهدین)، ترجمه‌ای ساده و زودپای امروزین است» (عقیقی، طبقات مفسران شیعه، ۱۳۷۸: ۹۰ به نقل از: نشر دانش، سال هفتم، شماره دوم ص ۳۴). این ترجمه بدون متن عربی و با مقدمه‌ای کوتاه در ابتدای هر سوره انتشار یافته است (ترجمان وحی، ۲/ ۱۲۵؛ ۳۲/ ۱۲؛ ۳۲/ ۱۴؛ ۶۲).

نتیجه

با توجه به سخنانی که مستشرقان هدایت‌یافته بیان داشته یا در آثار خویش نگاشته‌اند، اینان با مطالعه قرآن کریم و ملاحظه موافقت آموزه‌های قرآن با عقل، علم و فطرت را دلیل مسلمان شدن خویش اعلام کرده‌اند و این حاکی از روحیه تحقیق‌پذیری و انصاف در برخورد با مطالب سرشار از حقیقت است. از این‌رو، لازم است دیگر مستشرقانی که هدایت یافته و دین مبین اسلام را برگزیده‌اند، شناسایی و به جامعه اسلامی و جوامع غیر مسلمان معرفی شوند و دلیل پذیرش دین اسلام از سوی آنان نیز به

روشنی بیان گردد؛ چه این امر ممکن است زمینه هدایت دیگران را نیز فراهم آورد یا دست کم منصفان دیگری را نیز به تأمل بیشتری در آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام وا دارد.

پی‌نوشت‌ها

[۱] ﴿لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمْ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَ مَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرَهُ وَ عَلَى الْمُفْتِرِ قَدَرُهُ مَتَاعاً بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ وَ إِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَ قَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَ أَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَ لَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (بقره/۲۳۶-۲۳۷)؛ «هیچ گناهی بر شما نیست اگر زنان را طلاق دهید، مادامی که با آنان تماس نگرفته‌اید یا برایشان مهریه‌ای تعیین نکرده‌اید. و (در این هنگام با هدیه‌ای مناسب) بهره‌مندشان سازید. توانگر به اندازه [توانایی] اش و تنگدست به اندازه خودش کالایی (به عنوان هدیه‌ای) پسندیده بدهد. [و این کار] حقی بر عهده نیکوکاران است. و اگر آن (زن) ان راه پیش از آنکه با آنان تماس بگیرد، و در حالی که مهری برای آنها تعیین کرده‌اید، طلاقشان دهید، پس نصف آنچه را تعیین کرده‌اید (به آنان بدهید) مگر اینکه [آنان] ببخشند؛ یا کسی که پیوند ازدواج به دست اوست، ببخشد. و گذشت کردن (شما) به پارسایی (و خودنگهداری) نزدیک‌تر است. و بخشش را در میان خودتان فراموش نکنید، که خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست.»

[۲] ادامه آیه و ترجمه آن چنین است: ﴿لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ آيَةً وَ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ﴾ (یونس/۹۲)؛ «و [لی] امروز تو را با زرهات نجات می‌دهیم (و بدنت را بر بلندی می‌نهییم)، تا برای کسانی که پس از تو هستند، نشانه (عبرت آموزی) باشی! و قطعاً بسیاری از مردم، از نشانه‌های ما غافلند.»

منابع

۱. ارنست، کارل (۱۳۹۰ش)، اقتدا به محمد ﷺ، ترجمه قاسم کاکایی، تهران، هرمس.
۲. اسپوزیتو، جان ل (۱۳۹۱ش)، دایرة المعارف جهان نوین اسلام، ترجمه حسن طارمی و دیگران، تهران، نشر کنگره - نشر کتاب مرجع.
۳. اسد، محمد، الاسلام على مفترق الطرق.
۴. اسلام و غرب (۱۳۷۸ش)، شماره ۲۷.
۵. افتخارزاده، رضا (۱۳۸۳ش)، سیر تاریخی و ارزیابی اندیشه شرق‌شناسی، تهران، نشر هزاران.
۶. آل اسحاق خوئینی، علی (۱۳۷۰ش)، اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۷. بوکای، موريس (بی‌تا)، عهدین، قرآن و علم، ترجمه حسن حبیبی، بی‌جا، سلمان، بی‌تا.
۸. بوکای، موريس (۱۳۷۵ش)، دراسة الكتب المقدسة فی ضوء المعارف الحديثة، قاهره، مكتبة مدبولی.
۹. بوکای، موريس (۱۳۸۵ش)، مقایسه‌ای میان تورات و انجیل، ترجمه ذبیح‌الله دبیر، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۷۶ش)، قرآن ناطق، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. پرسمان، نهاد دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری، قم، شماره ۲۵، سال ۱۳۸۳ش.
۱۲. توحیدی، صلاح‌الدین (۱۳۸۳ش)، قرآن کتابی شگفت‌انگیز، تهران، نشر احسان.
۱۳. تورمید، انسلم (بی‌تا)، تحفة الأریب فی الردّ علی اهل الصلیب، تحقیق محمود علی حمایة، قاهره، دارالمعارف، چاپ دوم.
۱۴. حدیدی، جواد (۱۳۷۳ش)، اسلام از نگاه ولتر، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ پنجم.
۱۵. حلمی، محمد (۱۹۹۴م)، علماء الغرب یدخلون الاسلام، بی‌جا، النهضة العربية.
۱۶. حمدان، نذیر (۱۹۸۸م)، مستشرقون؛ سیاسیون - جامعین - مجرمین، عربستان، مكتبة الصديق.
۱۷. خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۷ش)، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، تهران، دوستان و ناهید.
۱۸. رضایی اصفهانی، محمد علی و جمعی از فضلاء حوزه و دانشگاه (۱۳۸۳ش)، ترجمه قرآن کریم، موسسه فرهنگی دارالذکر.
۱۹. رضوان، عمر بن ابراهیم (۱۹۹۲م)، آراء المستشرقین حول القرآن و تفسیره، ریاض، دار الطیبة.
۲۰. زرکلی، خیر الدین (۱۹۸۰م)، الاعلام، بیروت، دار العلم للملایین، چاپ پنجم.
۲۱. زمانی، محمد حسن (۱۳۸۸ش)، آشنایی با استشرق، قم، جامعة المصطفی.
۲۲. زمانی، محمد حسن (۱۳۸۸ش)، مستشرقان و قرآن، قم، بوستان کتاب، چاپ سوم.
۲۳. السباعی، مصطفی (۱۴۰۵ق)، الاستشراق والمستشرقون ما لهم وما علیهم، بیروت، المکتب الاسلامی.
۲۴. شاهد، رئیس اعظم (۱۳۸۶ش)، اعجاز قرآن از دیدگاه مستشرقان، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
۲۵. شرف‌الدین، سیدعلی (۱۳۸۶ش)، قرآن اور مستشرقین، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
۲۶. شلیبی، احمد، الاسلام (۱۹۹۷م)، قاهره، مكتبة التحفة المصرية، چاپ دوزادهم.
۲۷. شلیبی، متولی یوسف (۱۹۶۸م)، أضواء علی المسيحية، الدار الکویتية.
۲۸. صلاح، المكفرون الغربیون المسلمون.
۲۹. عبدالرحمن، احمد (۲۰۰۹م)، جاذبية الاسلام الروحية، قاهره، مكتبة وهبة.
۳۰. عبدالرزاق، صلاح (۲۰۰۸م)، المفكرون الغربیون المسلمون، بیروت، دار الهادی، چاپ دوم.
۳۱. عطائی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۳ش)، اعترافات، انتشارات حضرت عباس.
۳۲. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم (۱۳۷۸ش)، طبقات المفسرین شیعه، قم، نوید اسلام، چاپ چهارم.
۳۳. عقیقی، نجیب، المستشرقون، قاهره، دار المعارف، چاپ چهارم.
۳۴. علی الصغیر، محمد حسین (۱۴۱۳ق)، الدراسات القرآنیة، مکتب الاعلام الاسلامی.
۳۵. علیقلی، محمد محمدی (۱۳۷۵ش)، قرآن از دیدگاه ۱۱۴ دانشمند جهان، قم، سینا.

۳۶. العیثی، عرفات کامل (بی‌تا)، رجال و نساء اسلام، المکتب المصری الحدیث،
۳۷. غایی، احمد (۱۳۸۷ش)، وهاب‌گری انگار، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
۳۸. فیلیپی، هاری سانت (۲۰۰۱م)، بنات سباء، ریاض، مکتبه العبیکان.
۳۹. کافی، حسن (۱۳۷۰ش)، شناخت اسلام از نظر وحی و تعالیم، میقات.
۴۰. کامل عبدالصمد، محمد (بی‌تا)، الجانب الخفی وراء اسلام هؤلاء، بی‌جا، الدار المصریة اللبنائیة.
۴۱. کتاب مقدس (۱۹۹۵م)، انجمن بین المللی کتاب مقدس.
۴۲. محمد تقی، شریعتی (۱۳۸۴ش)، وحی و نبوت در پرتو قرآن، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۴۳. محمدی اشتهاردی (۱۳۸۱ش)، چرا شیعه شدم، تهران، نشر مطهر.
۴۴. مرکز الابحاث العقائدیة (۱۴۳۰ق)، موسوعة من حياة المستبصرین، قم.
۴۵. معدی، حسینی الحسینی (۲۰۰۶م)، الرسول فی عیون غریبه منصفه، قاهره، دار الکتب العربی.
۴۶. معدی، حسینی الحسینی (۲۰۰۶م)، من مشاهیر العالم الذین اسلموا، دمشق - قاهره، دار الکتب العربی.
۴۷. معدی، حسینی الحسینی (۲۰۰۷م)، علماء و مفکرون و ادباء و فلاسفة اسلموا، دمشق - قاهره، دار الکتب العربی.
۴۸. منتخب فرهنگ فلسفی، ترجمه نصرالله فلسفی، تهران، ۱۳۳۷ش.
۴۹. مهری املشی، قربانعلی (۱۳۸۴ش)، علی از زبان دیگران، عصر جوان.
۵۰. میدانی، عبدالرحمن حسن حبنکه (۲۰۰۰م)، اجنحة المکر الثلاثة و خوافیها، دمشق، دارالقلم، چاپ هشتم.
۵۱. نظریه دانشمندان جهان درباره قرآن و محمد ﷺ (۱۳۶۲ش)، تهران، عطایی.
۵۲. هوفمان، مراد ویلفرد (۱۹۹۳م)، یومیات المانی مسلم، ترجمه عباس رشید العماری، قاهره، مرکز الازهرام.
۵۳. هیأت تحریریة (۱۳۶۰ش)، چرا مسلمان شدم؟، قم، موسسه در راه حق، چاپ چهارم.
۵۴. «گفت‌وگویی با پروفیسور تسویتان تنوفانوف»، ترجمان وحی، قم، سال هفتم، شماره اول.